

# ایده آلیسم آلمانی

« از ولف تا پیروان جدید کانت »

تألیف

ابوالقاسم ذاکرزاده

## فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار
۱۷	فلسفهٔ ولف
۱۹	۱. درباب پیوند اشیاء در این جهان
۲۳	۲. درباب وجود شرّ جسمانی و اخلاقی
۲۴	۳. درباب قانون طبیعی و حقوقی
۳۱	فلسفهٔ کانت
۳۱	الف: آراء کانت پیش از دوره نقادی
۳۱	۱. آرائی دربارهٔ تخمین حقیقی نیروهای زنده
۳۳	۲. تاریخ عمومی طبیعت و تئوری آسمان
۳۴	۳. توضیح جدید اصول اولیهٔ شناخت متافیزیکی
۳۶	۴. درباب وحدت متافیزیک و هندسه
۳۹	۵. هواشناسی، جغرافیای طبیعی
۴۱	۶. تئوری نژادها
۴۳	ب: آراء کانت در آستانهٔ دورهٔ نقادی
۴۶	ج: آراء کانت در دورهٔ نقادی
۴۶	ج/۱: فلسفهٔ نظری کانت
۵۴	ج/۱/۱: جدول احکام و مقولات

- ۲۳۵ ..... (ب) هرمنوتیک
- ۲۴۵ ..... (ج) دیالکتیک
- ۲۵۱ ..... فلسفه فیثته.
- ۲۵۲ ..... ۱. خرد نظری
- ۲۵۳ ..... ۱/۱: روند تولید اشیاء مورد شناخت
- ۲۵۶ ..... ۲. خرد عملی
- ۲۵۷ ..... ۱/۲: اخلاق
- ۲۶۰ ..... ۲/۲: فلسفه حقوق و حکومت
- ۲۶۵ ..... ۳/۲: فلسفه تاریخ
- ۲۶۸ ..... ۴/۲: فلسفه دین
- ۲۷۶ ..... فلسفه شلینگ
- ۲۷۶ ..... ۱. فلسفه طبیعت
- ۲۸۱ ..... ۲. فلسفه ایده آلیسم فراسوی
- ۲۸۹ ..... ۳. فلسفه این همانی
- ۲۹۰ ..... ۴. فلسفه آزادی
- ۲۹۷ ..... ۵. فلسفه اسطوره و ظهور خداوند.
- ۳۰۵ ..... فلسفه هگل.
- ۳۰۷ ..... الف) پدیده‌شناسی روح.
- ۳۰۸ ..... الف/۱: یقین حسی
- ۳۱۰ ..... الف/۲: ادراک حسی
- ۳۱۱ ..... الف/۳: عقل و نیرو
- ۳۱۴ ..... الف/۴: حقیقت یقین از خود
- ۳۱۵ ..... الف/۵: ارباب و رعیت یا خدمتگذار
- ۳۲۱ ..... الف/۶: روح عینی
- ۳۲۲ ..... الف/۷: دین
- ۳۲۲ ..... الف/۸: دانش مطلق
- ۳۲۴ ..... ب: علم منطقی

- ۳۲۶ ..... ب/۱: هستی، شدن، بودن.
- ۳۲۹ ..... ب/۲: متناهی بودن و نامتناهی بودن.
- ۳۳۳ ..... ب/۳: برای خود بودن، کمیت و میزان.
- ۳۳۷ ..... ب/۴: بازتاب و ذات.
- ۳۴۶ ..... ب/۵: جلوۀ واقعیت.
- ۳۴۹ ..... ب/۶: مفهوم و فاعلیت.
- ۳۵۲ ..... ب/۷: عینیت.
- ۳۵۴ ..... ب/۸: ایده.
- ۳۵۶ ..... ج: فلسفۀ طبیعت.
- ۳۵۹ ..... د: فلسفۀ روح.
- ۳۵۹ ..... د/۱: روح فردی یا فاعلی.
- ۳۵۹ ..... (a) انسان‌شناسی.
- ۳۶۰ ..... (b) روان‌شناسی.
- ۲۶۱ ..... د/۲: روح عینی.
- ۳۶۱ ..... (a) حقوق مجرد.
- ۳۶۳ ..... (b) اخلاق فردی.
- ۳۶۴ ..... (c) اخلاق اجتماعی.
- ۳۶۸ ..... (d) تاریخ جهان.
- ۳۷۰ ..... د/۳: روح مطلق.
- ۳۷۰ ..... (a) هنر.
- ۳۷۴ ..... (b) دین مُنزل.
- ۳۷۴ ..... 1/b: قلمرو پدر.
- ۳۷۵ ..... 2/b: قلمرو فرزند.
- ۳۷۶ ..... 3/b: قلمرو روح.
- ۳۷۶ ..... (c) فلسفه.
- ۳۸۱ ..... آراء هگل دربارهٔ ادبیات، دین و تاریخ ایران باستان.
- ۳۸۱ ..... ۱. ادبیات ایران.

- ۳۸۹ ..... ۲. دین در ایران باستان
- ۳۹۰ ..... ۳. تاریخ ایران
- ۳۹۴ ..... ۳/۱: ملت زند
- ۴۰۰ ..... ۳/۲: آشوریها، بابلیها، مادها و پارسها
- ۴۱۱ ..... ۳/۳: سوریه و آسیای نزدیک سامی
- ۴۱۶ ..... ۳/۴: سرزمین قوم یهود
- ۴۲۱ ..... روح‌گرایان
- ۴۲۲ ..... ۱. هرمن فیشته
- ۴۳۱ ..... ۲. هرمان ویسه
- ۴۳۵ ..... ۳. تئودور فشنر
- ۴۴۲ ..... ۴. هرمان لوتسه
- ۴۵۰ ..... مکتب کرانیسموس
- ۴۵۰ ..... کراوزه
- ۴۵۳ ..... مکتب روان‌گرایی و روان‌شناسی
- ۴۵۵ ..... ۱. یاکوب فریس
- ۴۶۴ ..... ۲. هربارت
- ۴۶۹ ..... ۳. بنیکه
- ۴۷۴ ..... آرتور شوینهاور
- ۴۷۴ ..... ۱. کلیتاتی درباب فلسفه شوینهاور
- ۴۷۶ ..... ۲. فلسفه، مولود اراده
- ۴۷۷ ..... ۳. تکامل تدریجی
- ۴۷۹ ..... ۴. اخلاق
- ۴۸۰ ..... ۵. مسأله آزادی اراده
- ۴۸۱ ..... ۶. اصل دلیل کافی
- ۴۸۴ ..... ۷. انواع هنرها
- ۴۸۷ ..... فلسفه هوسرل
- ۴۸۸ ..... ۱. نقد مکتب روان‌شناسی‌گرایی یا روان‌گرایی

۲. امور کلی یا کلیات ..... ۴۹۰
۳. شیوه پدیده‌شناسی ..... ۴۹۴
۴. شیوه تحلیل و توصیف پدیده‌های روان‌شناختی ..... ۴۹۷
۵. پدیده‌شناسی شناخت ..... ۴۹۹
۶. پدیده‌شناسی ذاتها ..... ۵۰۱
۷. هستی‌شناسی ..... ۵۰۲
۸. فاعل فراسویی ..... ۵۰۴
- پيروان جديد كانت ..... ۵۱۵
۱. نوکانتی‌های مستقل
- (لانگه، فولکلت، ریل، زیمل، کورنلیسوس، فایهینگر) ..... ۵۱۷
۲. مکتب ماربورگ (کوهن، ناتورپ، فورلندر، گورلند، آدلر) ..... ۵۲۱
۳. ارنست کاسیرر ..... ۵۳۲
۴. مکتب جنوب غربی آلمان (ریکرت، ویندلبانند، لاسک) ..... ۵۳۴
۵. مقایسه عقاید دو مکتب ماربورگ و جنوب غربی آلمان ..... ۵۴۰
- نمودار زندگی فیلسوفان ..... ۵۴۳
- نمایه کتاب ..... ۵۸۹

## فلسفه ولف

ولف اگرچه فیلسوفی ایده‌آلیست و معتقد است که جهان مخلوق خداوند است و خداوند به جهان شکل بخشیده است، ولی در زمره فیلسوفان عقل‌گرا نیز به‌شمار می‌آید، چون او بر این عقیده است که هرچه عقل دربارهٔ امور و اشیاء حکم می‌کند حقیقت دارد. عقل باعث شناخت حقیقی می‌گردد، نه تجربه. تجربه معیار حقیقت نیست و سبب محدودیت شناخت نمی‌گردد، لذا شناخت امور فراتجربی یا امور متافیزیکی با کمک عقل میسر است. کانت اولین اثرش را در سال ۱۷۴۷ منتشر ساخت و ولف در سال ۱۷۵۴ وفات یافت.

افکار او در شکل‌گیری آراء کانت بسیار مؤثر بوده است. جمع آثار منتشر شدهٔ ولف بالغ بر پنجاه‌هزار صفحه است. کمتر متفکری به اندازهٔ او در قلمرو فلسفه قلم رانده است. ولف آراء لایب‌نیتس را طوری ساده و منظم ساخت که فلسفهٔ او در تمام دانشگاه‌های پروتستانی آلمان غالب بود. تنها کانت و هگل نفوذی شبیه او بر دانشگاه‌های آلمان داشتند. بسیاری از مطالبی را که دیدرو و دالامبر در دایرة‌المعارف منتشر ساختند کلمه به کلمه از آثار ولف برداشت شده است.<sup>۲</sup> البته نباید فراموش کرد که افکار ولف صرفاً از آراء لایب‌نیتس تشکیل نشده، بلکه همان‌طور که بعداً به شرح آن می‌پردازیم او صاحب آراء ویژهٔ خودش نیز هست.

---

1. Christian Wolff

2. Schwaiger, S. 48

ولف فلسفه را علم می‌خواند، به این معنا که فلسفه هر ادعایی را باید به اثبات برساند، از این رو نباید تنها به عقیده یا گمان صرف و یا استدلال ناتمام اکتفا کند. هر مفهومی باید ابتدا دقیق بیان شود. هر حلقه زنجیر استدلال باید بدیهی بوده و هیچ حلقه‌ای نباید کسر باشد و بالأخره هنگام نتیجه‌گیری باید هر حکمی از حکم قبلی استنتاج شود و هیچ حکمی بدون استنتاج باقی نماند. به همین دلیل کانت شیوه ولف را در پیشگفتار چاپ دوم کتاب نقدی بر خرد ناب ستایش می‌کند.

انگیزه فعالیت فلسفی ولف تجربه زندگی اوست. او در شهر برسلاو<sup>۱</sup> از استان شلزی<sup>۲</sup> در شمال آلمان تحصیل می‌کرد. در آن استان پیروان مذهب پروتستان اکثریت داشتند ولی آن استان توسط حاکمی کاتولیک اداره می‌شد. در آنجا برخلاف عقیده رایج دین مردم همان دین حاکم نبود. پروتستانها و کاتولیکها در این استان با وجود مخالفت با هم در کنار هم زندگی می‌کردند. در شهری که ولف تحصیل می‌کرد دبیرستانهای پروتستانی و یسوعی<sup>۳</sup> تکلیف آموزش جوانان را به عهده داشتند. ولف که پیرو مذهب پروتستان بود برای عبادت به کلیسای کاتولیکها می‌رفت و به عقایدشان از طریق موعظه‌هایی که می‌شنید آشنا می‌شد. در نتیجه این علاقه در او به وجود آمد که عقاید آن دو مذهب را بر مبنایی مشترک و فلسفی بنا نماید. از این رو او جویای شیوه‌ای شد که به کمک آن بتواند به علم کلام و فلسفه یقین و بداهت بخشد. ولف علم دقیق ریاضی و فیزیک را سرمشق خود قرار داد. با کمک این شیوه قصد داشت به اختلافات دو مذهب که در جنگ‌های سی ساله به اوج توخس خود رسیده بود، خاتمه دهد. او نمی‌خواست که فلسفه در خدمت علم کلام قرار گیرد، بلکه قصد داشت که فلسفه رهنمای علم کلام باشد. ولف در شمار فیلسوفان روشنگری قرار دارد که به خاطر عقایدشان مورد غضب کلیسا قرار گرفتند. اختلاف او با کلیسا هنگامی آغاز شد که به نفع گالیله در مورد ثابت بودن خورشید موضع گرفت. در عصر او برای جلوگیری از مجادله

1. Breslau

2. Schlesien

3. jesuidisch



بین علم و دین نظریه کپرنیک درباره ثبات خورشید و نظریه اهل کلام درباره ثابت بودن زمین به یک اندازه مورد تأیید قرار گرفته بود. ولی ولف تنها نظریه کپرنیک را درست دانست و گفت در کتب مقدس پدیده‌های ستاره‌شناسی تنها توصیف گردیده ولی مورد توضیح قرار نگرفته‌اند. اگر ما امر دیگری را غیر از آن نمی‌شناسیم دلیل آن نیست که آن امر ممکن نباشد. تکلیف فلسفه کشیدن مرز بین اموری است که ممکن‌اند و اموری که غیر ممکن هستند. بنابراین، ولف فلسفه را علم تمام امور ممکن می‌داند. به نظر او ما با کمک خرد خویش به مرور طی تحقیق تشخیص می‌دهیم که چه امری ممکن و چه امری غیر ممکن است. ولف در ابتدا امر ممکن را امری می‌دانست که می‌تواند موجود باشد، صرف نظر از اینکه آن قبلاً واقعیت یافته است یا نه ولی بعد او این عقیده را تعریفی تو خالی تشخیص داد و عقیده لایب‌نیتس را برداشت کرد که امر ممکن امری است که حاوی تضاد نباشد. بنابر این هر امری که حاوی تضاد است، ممکن نیست.<sup>۱</sup>

مادر اینجا به ارائه آراء خاص ولف اکتفا می‌کنیم.

### ۱. درباب پیوند اشیاء در این جهان

پیوند اشیائی که در جهان توأم باهم وجود دارند از طریق وابستگی هدف به وسیله انجام می‌گیرد و اشیائی که به دنبال هم قرار دارند از طریق وابستگی معلول به علت و در عین حال از طریق وابستگی همزمان هدف به وسیله و فعالیت (Tätigkeit) علت مؤثر به هدف باهم پیوند می‌یابند. چنین امری مسلم است، زیرا تجربه نشان می‌دهد که واقعیت داشتن صفات در شی‌ای که بین اشیاء دیگر موجود است، علت کافی وجود خویش را در شیء دیگر دارد. امری که طی زمان اتفاق می‌افتد مطابق تصمیمی از خداوند رخ می‌دهد، زیرا آن امر قبلاً بر مبنای ایده‌هایی که در طبیعت خداوند صرفاً صورت امکان دارند به صورت امکان وجود داشته و بر مبنای قدرت خداوند توانایی وجود